

## تبیین دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال ایران هراسی

(صفحات ۱۲۳ تا ۱۴۶)

سیدمهدی میرمحمدصادقی<sup>۱</sup> \* رحمت حاجی مینه<sup>۲</sup>

پذیرش: ۹۷/۰۵/۲۵

دریافت: ۹۷/۰۴/۱۸

### چکیده

از مهمترین سازوکارها و ابزار تأمین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تدوین، تنظیم و اعمال دیپلماسی فرهنگی کارآمد به عنوان نمونه بارز و اعلا دیپلماسی عمومی و قدرت نرم آن است. دیپلماسی فرهنگی توسط دولت ها هدایت می شود اما در برخی اوقات توسط سایر بازیگران غیردولتی نیز اجرا می گردد که به عنوان پشتیبان اهداف سیاست خارجی و ابزاری برای دیپلماسی عمومی محسوب می شود.

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، به دلیل ماهیت انقلابی و تضاد ایدئولوژیک با آمریکا، کشورهای غربی و متحدان منطقه ای آنها، چهار دهه است که ایران هراسی به عنوان ابزاری از سوی آنها برای محدود کردن فعالیت های فرامرزی و در نهایت منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران در حال انجام می باشد. پرسش اصلی این تحقیق آن است که دیپلماسی فرهنگی ایران برای مقابله با ایران هراسی چگونه بوده است؟

بنا بر یافته های این تحقیق که با روش توصیفی-تبیینی انجام گرفته است، فرضیه تحقیق عبارت است از اینکه با توجه به ظرفیت های مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران، استفاده از این ظرفیت ها بخاطر تعدد مراکز تصمیم گیری، منفعلانه بوده و نتوانسته به عنوان ابزاری در خدمت دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایران قرار گیرد تا با استفاده از ابزارهای مختلف، ایران هراسی را به چالش کشیده و با آن مقابله نماید.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی فرهنگی، ایران هراسی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ smsadeghi@hotmail.com

۲. استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ r.hajimineh@gmail.com

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ و ماهیت اسلامی و سیاسی آن، از همان ابتدا کشورهای غربی خصوصاً ایالات متحده آمریکا دیپلماسی فرهنگی یا قدرت نرم خود را بر اساس مقابله با آن به عنوان «دیگری» سازماندهی کردند که به آن ایران هراسی<sup>۱</sup> نیز گفته می‌شود. این دیپلماسی فرهنگی، توسط برخی از رسانه‌های غربی، برخی نخبگان این جوامع و از همه مهمتر مسئولان دولتی غربی بخصوص سیاستمداران آمریکائی به گونه‌ای به اجرا درآمده که طی چهار دهه، در این کارزار تبلیغاتی تلاش گردیده که موضوع ایران هراسی در این جوامع غالب گردد. در اجرای این دیپلماسی، رسانه‌های گروهی، سازمان‌های مردم‌نهاد، بنیادها، شبکه‌های ارتباط جمعی و اطلاع‌رسانی غربی همواره تلاش نموده‌اند از ایران یک چهره منفی و مخدوش بسازند. ایران را به عنوان حامی تروریسم، عامل بی‌ثباتی در منطقه و جهان، توسعه‌طلب و از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، توسعه نیافته و از لحاظ سیاسی ناقض حقوق بشر، مخالف آزادی بیان و حاکمیت قانون و نهایتاً غیردمکراتیک معرفی نمایند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به تحول کارکردی قدرت، و با توجه به داشتن برخی مولفه‌های فرهنگی- مذهبی، سیاسی و تاریخی در عرصه نظام بین‌الملل، کشورهای منطقه و در محیط راهبردی خویش، نیازمند بازتولید و تقویت مولفه‌های فرهنگی و قدرت نرم خویش است و یکی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در صحنه جهانی، جهان اسلام و کشورهای منطقه خاورمیانه، دیپلماسی فرهنگی است تا با استفاده از این مولفه و بکارگیری ابزارهای متنوع فرهنگ و قدرت نرم بتواند با ایران هراسی آمریکا و غرب مقابله کرده و افکار عمومی جوامع و ملل جهان بخصوص کشورهای هدف را با واقعیات کشور آشنا نماید و بدین صورت با تبیین دیپلماسی فرهنگی کشور بر سیاست‌های مقابله‌جویانه آمریکا و ایران هراسی تاثیر گذار باشد. امروزه ایران هراسی به یکی از اصلی‌ترین ابزار آمریکا و متحدانش ضد ایران بدل شده است و در بسیاری از رسانه‌های جهان و منطقه، چهره‌ای نامناسب از ایران به

1- Iranophobia

جهانیان و به ویژه مردم مسلمان منطقه ارائه می‌شود. از این رو می‌توان ایران هراسی را یک مسئله درگستره بین‌المللی در نظر گرفت که برای حل آن باید تقویت دیپلماسی فرهنگی را بطور جدی مورد توجه قرار داد. جمهوری اسلامی ایران توانایی‌های زیادی در این خصوص دارد که به شرط توانمندی‌های درونی و استفاده بهینه از مؤلفه‌های فرهنگی می‌تواند منجر به افزایش کارایی این ابزارها و ارتقای پارامترهای قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی ایران و نهایتاً به گسترش منافع ملی کمک کند. در نوشتار پیش رو، ضمن معناسازی دیپلماسی فرهنگی از منظر مکتب سازه‌انگاری، به بررسی ظرفیت‌های کشور برای مقابله با ایران هراسی به عنوان ابزار دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و نقد میزان کارایی آنها پرداخته می‌شود و در پایان نیز پیشنهادهایی برای تقویت این دیپلماسی بیان می‌گردد.

### ۱- ادبیات پژوهش:

#### ۱-۱: ادبیات تجربی (پیشینه پژوهش)

در خصوص موضوع دیپلماسی فرهنگی و ایران هراسی، مقالاتی تألیف شده است. از جمله:

میرکوش (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تبیین دیپلماسی عمومی و فرهنگی از منظر سازه‌انگاری جهان وطنی، دیپلماسی فرهنگی را به مثابه دیپلماسی عمومی دانسته و اعتقاد دارد، اهداف دیپلماسی عمومی/ فرهنگی از منظر سازه‌انگاری جهان وطنی ساخت روابط دوستانه پایدار میان کشورها با مخاطب قرار دادن جوامع آن‌ها در ساخت رفتارهای جهان وطنی فرهنگی است.

سیمبر و مقیمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، استلال می‌کنند: دیپلماسی فرهنگی با سهولت بیشتری در همه‌لایه‌های جامعه رسوخ می‌کند و بر نگرش جامعه هدف نسبت به کشوری که دیپلماسی فرهنگی را به کار می‌گیرد تأثیر سازنده داشته است. همچنین رضا سیمبر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل، مجدداً به بیان شاخص‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

جوادی ارجمند (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان دیپلماسی عمومی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران در روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس، با استفاده از نظریه گفتمان، دیپلماسی فرهنگی را به سه مرحله کلان «تدوین و تنظیم»، «ارزیابی» و «اجرا» تقسیم نموده و در جهت ارائه راه حل برای اجرا می باشد. مقالات ذکر شده در بالا همانطور که از عنوان شان مشخص است بیشتر بر تبیین دیپلماسی فرهنگی کشور متمرکز بوده اند درحالی که نوشتار حاضر به لحاظ نوآوری تلاش کرده است ضمن تبیین نظری دیپلماسی فرهنگی، کارآیی آن را در موضوع مقابله با ایران هراسی ارزیابی کند.

## ۲-۱: ادبیات نظری پژوهش

از واژه فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین الملل به عنوان ابزاری برای «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم» یاد می شود (خراسانی، ۱۳۸۷). بسیاری از نظریه پردازان دیپلماسی، فرهنگ را نمونه بارز و عالی قدرت نرم می دانند که به کشورها امکان و توان نفوذ در طرف مقابل از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزشها و ایده ها را می دهد. کشورها از دیرباز از سیاست خارجی برای تحقق منافع ملی خود استفاده کرده و ابزار سیاست خارجی آنها در بیشتر موارد دیپلماسی بوده است. آنها به طور سنتی دیپلماسی را در حوزه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در عرصه بین الملل برای اعمال سیاست خارجی خود مد نظر داشته اند، لیکن تغییر شرایط به خصوص پس از پایان جنگ سرد و جهانی شدن موجب شد تا «فرهنگ و مؤلفه های فرهنگی» نیز به عنوان رکن چهارم سیاست خارجی مطرح شده و در نتیجه دیپلماسی، تحول یافته و دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری مهم در تأمین منافع ملی و تحقق اهداف سیاست خارجی به کار گرفته شود (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

دیپلماسی فرهنگی بیشتر به دنبال کشف، تعریف و ترویج ارزش ها و منافع مشترک و جهان شمول و سپس، تأمین منافع ملی در چارچوب این ارزش ها و منافع مشترک است. دیپلماسی فرهنگی می تواند خلاقانه تر، انعطاف پذیرتر و حتی فرصت طلبانه تر از دیپلماسی کلاسیک و سنتی در بسیاری از حوزه ها طراحی و اجرا گردد. در این باره می توان گفت دیپلماسی فرهنگی با سهولت بیشتری در همه لایه های جامعه رسوخ می کند و کمک می کند تا نوعی اعتمادسازی در میان مردم و دیگر

کشورها ایجاد نماید و در این صورت قدرت آفرین نیز خواهد بود؛ اما همه این‌ها زمانی محقق می‌شود که کشور صادرکننده فرهنگ خود از پیش نیازهای اولیه و لازم در توانایی‌های درونی کشور خود برخوردار باشد (سیمبر، ۱۳۹۶)

دیپلماسی فرهنگی زیر مجموعه دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرد و بیشتر چشم اندازی بلند مدت دارد و با چگونگی ساخته شدن هویت‌های مردمی سرو کار دارد. دیپلماسی عمومی با بعدی فرهنگی آمیخته است و نماینده نیرو‌هایی مثل رسانه‌ها، روزنامه‌ها، آکادمی‌ها، اتحادیه‌ها و تا حدی اشخاص غیر حرفه‌ای است که به دلیل دسترسی به اطلاعات امکان نفوذ بر تصمیمات دیپلماتیک خارجی را دارند. دیپلماسی فرهنگی در حوزه‌های فرهنگی، هنری و علمی، تبادلات آموزشی و توسعه گفت‌وگوهای رسمی در مورد هویت‌های ملی و فرهنگی کشور مسئولیت دارد. از طرف دیگر، دیپلماسی عمومی به عنوان آژانس اطلاعاتی عمل می‌کند و ارتباطات رسمی، روابط عمومی و ارزیابی تصویر کشور در خارج می‌باشد. دیپلماسی عمومی با جوامع خارجی ارتباط برقرار می‌کند (Villanueva, 2007:47).

آگیولارا<sup>۱</sup> بر تمایز میان منافع دولت و منافع جوامع تاکید دارد و قدرت سیاسی آن‌ها را لزوماً یکسان نمی‌داند. او اظهار می‌کند که وظیفه دیپلماسی فرهنگی تعامل میان دولت با دولت نیست، بلکه ترجیحاً روابط دولت با مردم خارجی است، بنا بر این از این نظر با دیپلماسی عمومی مشترک است. او آشکارا میان دیپلماسی عمومی با روابط فرهنگی تمایز قائل می‌شود و این روابط را فعالیت‌های بین‌المللی که توسط افراد، سازمان‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی به منظور توسعه تبادل فرهنگی بر اساس منافع خودشان است، می‌داند (Aguillar, 1996:9).

### ۱-۲-۱: دیپلماسی فرهنگی از منظر سازه‌انگاری<sup>۲</sup>

سازه‌انگاری مطالعه تئوریک روابط بین‌الملل است که بر اهمیت عقاید، هنجارها و دانش در ایجاد یک جهان اجتماعی یا فرهنگی تاکید می‌نماید که به ترتیب هویت و منافع را شکل می‌دهد. تئوری سازه‌انگاری عوامل عقیدتی را کلیدی برای فهم سیاست

1- Aguillar

2- constructivism

می داند، بنابراین، این نظریه یکی از بهترین راههای فهم دیپلماسی فرهنگی است. مهم‌ترین نظریه پرداز این نگرش، الکساندر ونت<sup>۱</sup> است. دیدگاه ونت در تاکید بر دولتها به عنوان بازیگران اصلی سیاست بین الملل و نیز به خاطر اهمیتی که به سیاست داخلی میدهد و جایگاهی که باورها، ایده ها و هنجارها برای نظریه او دارند و نیز ناکارآمد دانستن مفهوم نوواقعگرایانه آنارشی برای درک منازعات بین‌المللی، از آنها فاصله می گیرد. (میرکوشش، ۱۳۹۳)

سازه‌انگاران استدلال می کنند که ایده ها، باورها و ارزش های مشترک نیز دارای ویژگی های ساختاری هستند و نفوذ موثری بر کنش های اجتماعی و سیاسی دارند. از این دیدگاه، آنچه که ساختار اجتماعی بشری را شکل می دهد، ایده ها و باورهای مشترک است و نه نیروهای مادی و از طریق این باورهای مشترک است که "هویت" و "منافع" بازیگران به وجود می آید. قدرت و منافع به همان اندازه قبل اهمیت دارند، اما بیشتر از آن که نیروهای مادی به آن ها قوام ببخشند، این ایده ها هستند که به آن ها قوام می دهند. ویژگی دیگر سازه‌انگاری علاوه بر معنا گرایی، کل گرایی است، به این معنی که ساختار های اجتماعی تاثیری دارند که نمی توان آن ها رابه کارگزاران و کنش های آن ها تقلیل داد. از جمله این تاثیرات شکل دادن به هویت ها و منافع است که صورت بندی های گفتمانی و همچنین نیروهای مادی، آن ها را مشروط می کنند، و در نتیجه این ها در حلاء شکل نمی گیرند (Wendt, 1992:135-138).

برای تبیین شکل‌گیری اولویتها در منافع، سازه‌انگاران بر هویت اجتماعی بازیگران تاکید دارند. از نظر ونت، هویت ذاتا امری رابطه ای است که از درون یک دنیای ساخت یافته اجتماعی خاص پدید می آید. هر هویتی یک تعریف ذاتا اجتماعی از دولت است که در ابتدا در دیدگاه هایی ریشه دارد که دولتها بطور جمعی در مورد خود و دیگری دارند و سپس در آنچه که ساختار دنیای اجتماعی را بوجود می آورد. هر دولت ممکن است هویت‌های چندگانه ای داشته باشد و مجموعه یا ساختار نسبتا ثابت هویتها و منافع، نهادها را ایجاد می کند (Wendt, 1992:397-398).

دیپلماسی فرهنگی می‌تواند از یکی از مهم‌ترین حقایق اجتماعی ارائه شده توسط

۱- Alexander Wendt

تئوری سازه‌انگاری سود ببرد. در مورد هویت‌های جمعی، سازه‌انگاران ادعا می‌کنند که نه تنها هویت و منافع بازیگران به طور اجتماعی ساخته می‌شود بلکه آنها ایده‌آل‌های دیگر ناشی از موجودیت‌های فرهنگی مردم را به اشتراک می‌گذارند. یکی از ویژگی‌های اصلی دیپلماسی‌های فرهنگی و قدرت نرم می‌تواند ساخت هویت‌های جمعی صلح، درک و تنوع در سطح بین‌المللی باشد. در اردوگاه سازه‌انگاران، ارزشها، هنجارها، منافع و رفتارها وابسته به هویت جمعی پذیرفته شده است. نکته‌ای که در اهداف و فلسفه یونسکو آمده است نگاهی سازه‌انگارانه است: "از آنجایی که جنگها در ذهن افراد آغاز می‌شود، در ذهن مردم است که باید دفاع از صلح ساخته شود" (Huxley, 1946:4). در نتیجه دیپلماسی فرهنگی در شکل‌گیری ایده‌ها و هویت‌های فرهنگی نقش ایفا خواهند نمود.

### ۲-۱-۲: مفهوم ایران هراسی

هراس در لغت به معنای بیم، ترس و خوف اطلاق می‌گردد و این معنا، دقیقاً همان سناریویی است که آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن از طریق «پروژه ایران هراسی» با ایجاد خوف و هراس نظام بین‌الملل از ایران و همچنین حساس شدن نسبت به اقتدار و توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌نمایند. بنابراین، ایران هراسی برنامه‌ای راهبردی به منظور برساخت تهدیدی بزرگ از ایران برای منطقه و فراتر از آن تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت جهانی است که با ایجاد هراس در تلاش است با تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در برابر ایران، این کشور را تضعیف، تخریب و به حاشیه راند. این پدیده بیان‌کننده احساس مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران است.

به عبارت دیگر ایران‌هراسی به سیاستهایی اطلاق می‌گردد که بر مبنای «تئوری توطئه» برای رسیدن به منافع خاص علیه این کشور با معرفی کردن ایران به عنوان تهدیدی برای کشوری خاص، منطقه جغرافیایی خلیج فارس، خاورمیانه یا در شکل بزرگتر برای امنیت یا صلح بین‌المللی مطرح می‌گردد. ایران‌هراسی اشاره به احساسات مخالف یا مخالفت با سیاستها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران دارد. همچنین ایران‌هراسی اشاره به بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب،

نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری به ایرانیان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی، مذهبی پذیرفته شده در سراسر جهان دارد. گستره ایران هراسی می تواند از نفرت فردی تا تعقیب و آزار نهادینه شده متغیر باشد. همچنین گاه ایران هراسی با احساسات ضد ایرانی همپوشانی دارد (نرگسی علی پور، ۱۳۹۳: ۱۳).

یکی از منابع اصلی تشدید و گسترش ایران هراسی در آمریکا، اروپا و برخی کشورهای هدف، وجود گروههای ذی نفوذ و لابی اسرائیلی هستند که همواره تلاش نموده اند افکار عمومی و ذهن نخبگان، سیاستمداران و تصمیم گیرندگان غربی را نسبت به ایران تخریب و چهره این کشور را مشوش نشان دهند.

هاگای رام<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه بن گوریون در کتاب «ایران هراسی: منطق یک عقده روحی اسرائیلی<sup>۲</sup>» که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده در بخش اول کتاب خود با عنوان سرآغاز دگرگونی بنیادین ایران، سه دلیل برای دشمنی جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل به شرح ذیل ارایه می کند:

۱- دیکتاتوری مشرق زمینی مذهبی و واپس گرای اسلامی در تضاد با دموکراسی غربی و متحد یهودی سکولار است

۲- رقابت راهبردی بر سر قدرت و برتری جویی در خاورمیانه

۳- نگرانی راهبردی اسرائیل از خواست ایران برای نابودی آن (Ram, 2009, 31-60).

در واقع سیاست غرب در دو دهه گذشته، اعلام ایران به عنوان یکی از محورهای شرارت بوده و مشخص ساخته که آمریکا در صدد امنیتی کردن فضای ایران و تلاش برای معرفی ایران به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی است و این رویکرد محصول یک سیاست مشترک میان آمریکا و اسرائیل بوده و اخیرا عربستان سعودی و امارات عربی متحده نیز به آن اضافه شده اند.

دلایل هراس از ایران، بویژه در سطح منطقه ای را می توان به دو دسته ساختاری و غیرساختاری تقسیم کرد. قدرت، قرابت جغرافیایی و قابلیت های تهاجمی را می توان به عنوان دلایل ساختاری ایران هراسی و نیات تهاجمی، ترویج ایران هراسی و پذیرش این گفتمان از سوی کشورهای منطقه را به عنوان دلایل

1- Haggai Ram

2- Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession



غیرساختاری هراس دیگران از ایران مطرح کرد (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۸-۱۹۱). به موازاتی که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، دیگران نگران سوءاستفاده احتمالی این دولت از قدرت خود شده و در پی جلوگیری از آن برمی‌آیند (Little, 2008). ایران بطور تاریخی به لحاظ قدرت، از همسایگان خود، به ویژه همسایگان جنوبی (قرابت جغرافیایی)، برتر بوده است، بنابراین قابلیت‌های دفاعی ایران نیز برای آنان قابلیت‌های تهاجمی معنا می‌شود. دولتهایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، قادر به ایجاد تهدیدهای بزرگتری برای یکدیگر هستند تا دولت‌هایی که فاصله جغرافیایی آنان از یکدیگر زیاد است (Walt, 2002). ایران در مجاورت منابع انرژی جهان و مسیر انتقال آن به ویژه خلیج فارس و تنگه استراتژیک هرمز، در قلب منطقه حساس خاورمیانه و در منطقه‌ای قرار دارد که قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده امریکا نسبت به تحولات آن حساسیت استراتژیک دارند و وجود اسرائیل بر این حساسیت افزوده است. دستیابی دولتها به توانایی‌های نظامی خاص یا قابلیت‌های سیاسی ویژه (مانند ایدئولوژی گسترش‌یابنده) آنها را تهدیدزاتر کرده و خطرهای واقعی یا تصویری را متوجه انسجام سرزمینی یا ثبات سیاسی سایر کشورها می‌سازد (Walt, 1990: 147-150). ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی از یک ایدئولوژی گسترش‌یابنده برخوردار بوده است و در سالیان اخیر با توجه به توان موشکی و به ویژه هسته‌ای آن، قدرت تهاجمی این کشور، آشکارا افزایش یافته است. شدت حساسیت‌ها به توانایی موشکی و هسته‌ای ایران از یکسو و حضور و نفوذ آن در کشورهای پیرامونی از سوی دیگر بخوبی نقش این مؤلفه در ایجاد ایران هراسی را نشان می‌دهد. نیت تهاجمی نیز از دیگر علل ایران هراسی در منطقه قبل و بعد از انقلاب اسلامی است. البته بخش مهمی از هراس کشورهای منطقه، به ویژه در حوزه خلیج فارس از نیت تهاجمی ایران در چهار دهه اخیر به دلیل فرهنگ تبلیغی و تهاجمی برخی از قدرتهای بزرگ است.

با بررسی علل ساختاری و غیرساختاری ایران هراسی، اکنون می‌توان به این پرسش پرداخت که غرب و به ویژه ایالات متحده از چه روی ایران هراسی را در منطقه ترویج می‌کنند؟ آنان چه منافع و اهدافی را از تقویت گفتمان ایران هراسی پیگیری می‌کنند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید به قابلیت ایران برای تبدیل شدن به

هژمون منطقه ای<sup>۱</sup> توجهی ویژه داشت، قابلیتی که غرب و به ویژه ایالات متحده با توسل به ابزارهای مختلف تلاش دارد از بالفعل شدن آن ممانعت به عمل آورد زیرا دولتهایی که به هژمونی منطقه ای دست می یابند، درصدد جلوگیری از تسلط سایر دولتها بر دیگر مناطق جغرافیایی هستند. مرشایمر به عنوان واضح نظریه واقعگرایی تهاجمی، معتقد است این هدف در استراتژی امنیت ملی امریکا همواره وجود داشته است. (Mersheimer J.J., 2001).

## ۲- دیپلماسی فرهنگی ایران برای مقابله با ایران هراسی

سازه انگاران استدلال می کنند که ایده ها، باورها و ارزش های مشترک نیز دارای ویژگی های ساختاری هستند و نفوذ موثری بر کنش های اجتماعی و سیاسی دارند. از این دیدگاه، آنچه که ساختار اجتماعی بشری را شکل می دهد، ایده ها و باورهای مشترک است و نه نیروهای مادی و از طریق این باورهای مشترک است که "هویت" و "منافع" بازیگران به وجود می آید. آنچه که ایده ها، باورها و ارزشهای مشترک را می سازد به آن فرهنگ می گویند بنابراین ایران دارای فرهنگی بزرگ با شاخص ها و ابزارهایی برای اقناع و جلب مخاطبان می باشد که به آن قدرت نرم نیز می گویند. انقلاب اسلامی ایران ماهیتی ایدئولوژیک و فرهنگی داشته و بر مبانی و عناصر فرهنگی استوار بوده و این ویژگی منحصر به فرد در اصول و بنیادها و مفاهیم اساسی سیاست خارجی نیز نمود یافته است. آنچه جمهوری اسلامی ایران به عنوان کرامت انسانی، عدالتخواهی، نفی نظام سلطه، گفتگوی تمدنها، جهان عاری از خشونت و تعامل و همکاری مؤثر و سازنده با جهان خارج مطرح کرده، در واقع گفتمان سیاسی است که بر مبانی فرهنگی سیاست خارجی استوار است. بر این اساس، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ابعاد و ابزارهای سیاست خارجی عبارت است از تلاش و کوشش از پیش طراحی شده و سازمان یافته جمهوری اسلامی ایران برای تأثیرگذاری بر برداشتها، ادراکات، افکار، انگاره ها، ایده آل ها، ارزشها، ایستارها و باورهای سایر ملت ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی و شناخت و درک واقعی فرهنگ های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی. از اینرو، دیپلماسی فرهنگی

### 1- Regional Hegemony

متضمن و مستلزم تبیین، ترویج، معرفی و گسترش مؤلفه‌ها و عناصر، ارزشها و ابعاد فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی از طریق به کارگیری ابزارهای فرهنگی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

### ۱-۲: ظرفیت‌های فرهنگی ایران

#### ۲-۱-۱: فرهنگ و تمدن ایرانی

آن بخش از ذخایر فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان منبع قدرت فرهنگی قابل بهره‌برداری است که برای مردمان جوامع خارجی جذابیت داشته باشد. لذا به منظور برآورد قدرت نرم فرهنگ ایرانی می‌بایست ضمن کنار گذاشتن آن بخشهایی که صرفاً مصرف داخلی دارند، تنها به ذکر مواردی پرداخت که قابل عرضه در سطح جهانی و یا لاقلاً در سطح منطقه‌ای هستند. با چنین رویکردی میشود چهار مظهر فرهنگ و تمدن ایران را شناسایی کرد که بالقوه می‌توانند منبع مولد قدرت نرم باشند:

#### ۲-۲-۱: زبان و ادبیات فارسی

زبان فارسی تنها در سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان به عنوان زبان رسمی محسوب می‌شود اما در کشورهای هم‌جوار عراق، ترکیه، ازبکستان، پاکستان و هند نیز گروه‌هایی از فارسی‌زبانان حضور دارند. همچنین رگه‌هایی از زبان فارسی در زبان‌های دیگری نظیر ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی و سواحیلی قابل رؤیت است. در کل جمعیتی حدود یکصد میلیون نفر در دنیا به زبان فارسی سخن می‌گویند و حدود دویست میلیون ترک، ترکمن، ازبک و اردوزبان هم بهره‌ای از فارسی دارند (درخسه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰).

اگرچه گستره نفوذ زبان فارسی بیش‌تر منطقه‌ای است نه جهانی لذا تنها می‌تواند در منطقه‌ی اوراسیای مرکزی در ارتباط با کشورهایمانند افغانستان، تاجیکستان و ترکمنستان یا منطقه‌ی شبه‌قاره در ارتباط با کشورهای چین هند و پاکستان به عنوان منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران کارایی داشته باشد. اما نباید فراموش کرد که ادبیات کهن فارسی که نمایانگر هویت ایرانی و آئینه‌ی فرهنگ، اندیشه، آرزوها، آرمان‌ها و به طور کلی جهان بینی ملت بزرگ ایران است، با وجود مفاخری مانند حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی و خیام و با برخورداری از مضامین بسیار غنی و والا

دارای شهرتی جهانی بوده و مورد اقبال شمار زیادی از دوستداران شعر و ادب در جوامع مختلف جهان قرار دارد تا جایی که آثار مشاهیر ادب فارسی به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و در زمره‌ی کتب پرفروش به شمار می‌آیند (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). در نتیجه جاذبه‌ی ادبیات فارسی هم می‌تواند مجرای برای تأثیرگذاری بر شماری از اقشار فرهیخته، دانشجویان و اهل ادب حتی در جوامع غیرفارسی زبان باشد.

### ۳-۱-۲: رسوم و آیین‌ها

رسوم و آیین‌های برآمده از فرهنگ ایرانی هم در صورت بهره‌مندی از ویژگی جذابیت خارجی می‌توانند به عنوان منابع فرهنگی موکد قدرت نرم تلقی شوند که بارزترین مصداق در این زمینه جشن نوروز است. جشن نوروز به عنوان باستانی‌ترین جشن تمدن بشری ریشه‌ی ایرانی دارد اما در بسیاری دیگر از جوامع سراسر جهان نیز گرامی داشته می‌شود. جشن نوروز در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹ توسط سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در «فهرست میراث فرهنگی غیرملموس بشری» به ثبت رسید. یونسکو نوروز را یک سنت فرهنگی و یک جشن باستانی می‌داند که نماد اولین روز بهار و تجدید حیات طبیعت است و موجب تقویت ارزش‌های صلح و همبستگی میان نسل‌ها و درون خانواده‌ها و نیز آشتی و حُسن همجواری می‌شود و لذا به تنوع فرهنگی و دوستی میان مردمان جوامع مختلف یاری می‌رساند (UNESCO, 2011).

### ۴-۱-۲: هنرها

محصولات صنایع فرهنگی و هنری کشورها به شرط داشتن جاذبه برای مخاطبان خارجی منابع قدرت نرم هستند چنان‌که بخش عظیمی از ذخیره‌ی قدرت نرم ایالات متحده‌ی آمریکا مرهون وجود آثار هنری تولید هالیوود است. جمهوری اسلامی ایران هم در این زمینه ظرفیت‌های چشمگیری دارد که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب می‌توانند در راستای بالابردن قدرت فرهنگی آن به کار گرفته شوند. صنایع دستی ایرانی را که حاصل ذوق و چیره‌دستی هنرمندان این سرزمین است، مردمان جوامع مختلف جهان می‌شناسند. فرش و قالی ایرانی سرآمد این صنایع هستند که همواره مشتاقان بسیاری در فراسوی قلمرو کشور دارند. موسیقی اصیل ایرانی نیز برخوردار از آوازه‌ای جهانی

است و هر ساله چندین کنسرت با هنرمندی خوانندگان و نوازندگان برجسته‌ی ایران در کشورهای خارجی برگزار می‌شود. همچنین سینمای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی جهش قابل توجهی داشته و خود را در سطح جهانی مطرح کرده است. به طوری که فیلم‌های سینمایی کارگردانان ایرانی طی سال‌های اخیر در جشنواره‌های متعدد خارجی به نمایش درآمده‌اند و جوایز معتبری را از جمله جایزه‌ی اسکار، کن، برلیناله، و بسیاری دیگر را کسب کرده‌اند و برخی سریال‌های ایرانی هم توانسته‌اند با جذب مخاطبان پرشماری در کشورهای همسایه به موفقیت‌های بزرگی دست یابند.

### ۵-۱-۲: آثار باستانی

کشور ایران به عنوان میراث‌دار یکی از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری، گنجینه‌ی ارزشمندی از آثار باستانی را در خود جای داده که یادآور سابقه‌ی طولانی فرهنگی و تمدنی ایرانیان است. وجود این آثار علاوه بر عواید مادی‌ای که برای صنعت گردشگری کشور دارد، می‌تواند زمینه‌ی جذب مردم جوامع خارجی، تأثیرگذاری بر آنان و قرار دادنشان در معرض واقعیات جامعه‌ی ایرانی را فراهم سازد. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۱ مجمع جهانی اقتصاد که به رتبه‌بندی شاخص رقابت‌پذیری در صنعت گردشگری و سفر میان ۱۳۹ کشور جهان پرداخته بود، ایران از حیث در اختیار داشتن جاذبه‌های گردشگری فرهنگی - تاریخی در رتبه‌ی نهم جهان می‌ایستد (همشهری‌آنلاین، ۱۳۹۲). پس در شرایطی که بسیاری از افکار عمومی جهانی بر اثر القائات مخرب رسانه‌های مخالف، ایران را کشوری عقب‌مانده و غیرمتمدن می‌انگارند، آثار باستانی موجود در جای‌جای کشور مانند اصفهان و شیراز را باید به چشم منابع فرهنگی جذابی نگریست که به منظور اصلاح تصویر برون مرزی ایران و ارتقاء وجهه‌ی آن نزد مردمان سایر کشورها قابل بهره‌برداری هستند.

### ۲-۲: فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی

فرهنگ اسلامی را می‌توان مجموعه‌ی عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه‌های عمل منبث از شریعت اسلام قلمداد کرد. منابع قدرت نرم ایران صرفاً در بستر فرهنگ اسلامی قابل ردیابی هستند که در این میان سه مورد از

اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

#### ۲-۲-۱: اسلام عامل وحدت مسلمانان

یکی از غنی‌ترین منابع مولد قدرت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بدون تردید اسلام است. این الگو را می‌توان دستاورد اساسی انقلاب اسلامی برای محیط جهانی دانست زیرا مفاهیم و ارزش‌های بدیعی را عرضه کرد که در تاریخ معاصر جهان بی‌سابقه بود و برای ملت‌ها بسیار تازگی داشت. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) ایده‌ای کاملاً جاافتاده هم در ایران و هم در سراسر دنیا محسوب می‌شد. شدت سیطره‌ی تفکر سکولاریستی و عاری انگاشتن دین از هرگونه کارکرد سیاسی و اجتماعی به حدی بود که حتی در کشورهای اسلامی نیز گروه‌های مبارز مسلمان حرکت‌های مبارزاتی خود را اغلب با الهام از اندیشه‌های ملی‌گرایانه، سوسیالیستی یا کمونیستی انجام می‌دادند. (بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). میشل فوکو نظریه پرداز لیبرال که در ایام پیروزی انقلاب از نزدیک شاهد تحولات ایران بوده است، عنصر معنویت را نیروی محرکه‌ی اصلی انقلاب و عامل چیرگی انقلابیون بر قدرت سخت رژیم شاه معرفی می‌کند. فوکو قدرت نرم انقلاب ایران را نهفته در پیام معنوی آن می‌داند که برای جهان ارسال می‌شود و لذا این انقلاب را روح جهان بی‌روح لقب می‌دهد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۴). جمهوری اسلامی ایران با الهام از اسلام به عنوان یک دین کامل اجتماعی و سیاسی، توانست حکومتی مبتنی بر مردمسالاری دینی بنا نهد. این الگو خود عامل وحدت جهان اسلام و عزت مسلمانان گردیده است زیرا مبنای حکومت ایران، اسلام است و بنیانگذار این جمهوری اسلامی، اولین و بزرگترین منادی وحدت در جهان اسلام بوده است.

#### ۲-۲-۲: استقلال و مقاومت

استقلال‌طلبی، استکبارستیزی و مقاومت در برابر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ در زمره‌ی بنیادین‌ترین ارزش‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند که در ارتباط تنگاتنگ با ارزش‌های دیگری مانند آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت، منظومه‌ی کامل گفتمانی انقلاب را هویت و معنا می‌بخشند. استقلال و مقاومت که انقلاب اسلامی آن را در هیأت یک ارزش سیاسی به جهان عرضه کرد، مورد علاقه و احترام بسیاری از

ملت‌های آزادی‌خواه و ضد امپریالیست و حتی غیرمسلمان در سراسر جهان قرار دارد. یعنی آن‌ها انقلاب اسلامی را به دلیل التزامش به ارزش استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر نظام سلطه ارج می‌نهند.

### ۲-۲-۳: حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان

حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان یکی دیگر از ارزش‌های ماهوی انقلاب اسلامی است که موجب ارتقاء جایگاه آن در میان طبقات مظلوم و مستضعف کشورها و جلب توجه آن‌ها به ایران می‌شود. انقلاب اسلامی از بدو شکل‌گیری‌اش با صفت حامی مستضعفان مشهور شد و پشتیبانی معنوی از تمامی ملت‌های مظلوم را به عنوان یک ارزش اساسی برای خود تعریف کرد. با این حساب از آن‌جایی که حمایت انقلاب اسلامی از مظلومان و مستضعفان جهان سبب جلب علاقه و اشتیاق آن‌ها به انقلاب و موطن آن یعنی ایران می‌شود، می‌توان این ارزش را به مثابه منبعی برای تأثیرگذاری نرم‌افزاری بر همان اقشار مظلوم و مستضعف قلمداد کرد.

### ۳- عملکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

علاوه بر دستگاه دیپلماسی کشور، برخی نهادهای داخلی نیز براساس وظایف محوله، به موضوع دیپلماسی فرهنگی ایران در خارج پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و چند بنیاد و موسسه فرهنگی دیگر اشاره داشت.

از میان نهادهای ذکر شده، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است مهمترین نهاد متولی امور فرهنگی در خارج از کشور می‌باشد که دارای ساختار و تشکیلات وسیعی در داخل و خارج است. متولی رسمی کاربست مؤلفه‌های قدرت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و تدوین و تنظیم و اعمال دیپلماسی فرهنگی، این سازمان است که از طریق رایزنیها و نمایندگیهای فرهنگی خود در سراسر جهان این وظیفه را پیگیری و انجام می‌دهد. بخش خارجی این سازمان با عنوان «رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در خارج از کشور فعالیت می‌نمایند. وظیفه مهم این رایزنان، برقراری ارتباط فرهنگی و رسمی با مخاطبان در کشور

متوقف فیه، ایجاد و تقویت کرسی های زبان فارسی، تقویت و تجهیز کتابخانه ها به منابع فارسی و ایران شناسی، معرفی و توسعه فرهنگ و هنر ایرانی و اسلامی است. این سازمان، تلاش های گسترده ای را برای ترویج فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، گسترش زبان فارسی و معرفی مشاهیر علمی و ادبی ایران به مخاطب بین المللی داشته است.

در موضوع رسانه‌ای نیز صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با راه ۲۷ شبکه تلویزیونی برون مرزی به زبانهای مختلف تلاش گسترده ای را برای جذب مخاطبان خارجی داشته است. شبکه های جهانی جام جم (برای ایرانیان مقیم اروپا، آمریکا، آسیا و اقیانوسیه)، سحر ۱ (به زبان ترکی آذربایجانی)، سحر ۲ (به زبان اردو و انگلیسی)، سحر ۳ (به زبان کردی)، سحر ۴ (به زبان فرانسوی و بوسنیایی)، العالم (شبکه خبری عربی)، الکوثر (شبکه معارف به زبان عربی)، پرس تی وی (شبکه خبری انگلیسی)، هیسپان تی وی (شبکه اسپانیایی)، آی فیلم عربی (شبکه فیلم و سریال به زبان عربی)، آی فیلم انگلیسی (شبکه فیلم و سریال به زبان انگلیسی)، آی فیلم ۲ (شبکه فیلم و سریال به زبان فارسی دری) از جمله این شبکه ها هستند. این رسانه همچنین شبکه جدیدی به نام هوسا تی وی<sup>۱</sup> در سال ۱۳۹۷ راه اندازی نمود. زبان هوسایی در کشورهای نیجریه، نیجر، غنا، کامرون، چاد، بنین، ساحل عاج، مالی، توگو، بورکینافاسو، سودان، آفریقای مرکزی، کنگو دموکراتیک و جمهوری کنگو و سیرالئون رایج است. همچنین درصدد راه اندازی ۲ شبکه برون مرزی به زبان های روسی و فرانسوی نیز میباشد که بدین صورت با تمام ملت ها ارتباط برقرار می شود.

### ۳-۱: ارزیابی دیپلماسی فرهنگی ایران در مقابله با ایران هراسی

در کارایی و عملکرد خوب دستگاه های مربوطه جهت پیشبرد قدرت نرم ایران، تردیدی نیست و ندیدن تلاش ها و فعالیت های مطلوب آنان، نوعی بی انصافی است. اما یکی از چالش های مهم که موجب ضعف کارایی ابزارهای قدرت نرم ایران شده، عدم انسجام، تداخل کاری و عدم وجود شورا یا نهادی مافوق همه این دستگاهها برای تدوین استراتژی و استفاده بهینه از آنها در فرصت های مناسب است. بر این اساس مهمترین کارکرد دیپلماسی فرهنگی فراهم ساختن ابزار و سازوکار لازم برای اعمال

1- Hausa TV



قدرت نرم از سوی جمهوری اسلامی ایران بوده تا با نگاه معرفتی و منطقی، توسل ایران به قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی را موجب شود. جمهوری اسلامی ایران با این دیپلماسی در نظر داشته با تعریف دو جبهه حق و باطل و استضعاف و استعمار، از سویی به دنبال معرفی خود به مثابه رهبری جبهه حق باشد و از سوی دیگر، در تلاش برای الگوسازی یک نظم جدید در مقابل نظم فعلی حاکم بر سیاست بین‌الملل بوده است.

عملکرد چهل ساله نهادهای متولی دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، بیانگر آن است که این نهادها در بسیاری از موارد دارای شرح وظایف و ساختاری موازی و در برخی موارد علاوه بر دوباره کاری حتی مانع و متداخل کارهای یکدیگر بوده اند و در این راه، سرمایه انسانی و مالی زیادی صرف شده و هزینه‌های زیادی نیز بی‌جهت از بین رفته است. این تداخل کاری گاهی اوقات حتی ناخواسته موجب یک سیاستی بر ضد دیپلماسی عمومی و خود باعث تضعیف قدرت نرم کشور شده است. بنابراین به دلیل تکثر کارگزاران دیپلماسی عمومی و تفکیک نشدن نقش‌ها، نوعی ناهماهنگی زیانبار در استفاده از قدرت نرم و اجرای دیپلماسی عمومی کشور وجود داشته لذا دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی و عمومی کشور نتوانسته‌اند از ابزارها و ساز و کارهای لازم و بموقع استفاده کنند و با اتکاء به وظایف محوله نسبت به توجیه ویژه به امر دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم به عنوان یک ابزار مهم در حفظ منافع ملی اقدام نمایند.

بررسی‌های عمیق و واقع‌بینانه از تأثیرات و عملکردهای دستگاه‌های فرهنگی و قدرت نرم ایران نشان می‌دهد که فعالیت‌های ما در این زمینه هنوز به نتیجه مطلوب منجر نشده و متأسفانه هنوز در برخی نقاط جهان بخصوص در جوامع غربی و کشورهای عربی، ارائه تصویر خشن از ایران (ایران‌هراسی) ادامه دارد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که هیچ‌کدام از محصولات فرهنگی ما به‌جز سینما با اندک تسامح به برند تبدیل نشده است (دهشیری، ۱۳۹۷). از سوی دیگر ظرفیت‌های غریزی و ذاتی که درون فرهنگ ما وجود داشته دچار فرسایش شده است. هر چند در عرصه دیپلماسی مردم‌محور در طول دهه‌های گذشته پیشرفت‌هایی داشته‌ایم اما در یک ارزیابی کلی در این زمینه ضعیف عمل کرده‌ایم. گسترش ایران‌هراسی بیانگر این است که از ظرفیت‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی کشور برای تقابل با ایران‌هراسی

بخوبی استفاده نشده و نتوانسته قدرت نرم ایران و منافع ملی کشور را افزایش دهد. آنچه که در بررسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران طی گفت‌وگوهای مختلف صورت گرفته اینکه این دیپلماسی از ساختارهای مناسب و نیز از افراد و سیاستمداران حرفه‌ای و آشنا به دیپلماسی فرهنگی و عمومی به صورت کامل بهره نبرده است و بسیاری از اقدامات انجام شده بیشتر سلیقه‌ای و موقت بوده است نه سازمانی و ساختاری و ساماندهی شده. بنابراین با جابجایی افراد دچار تغییر گردیده است. دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم باید دارای ساختاری مناسب و بهره‌مند از افراد مجرب و تخصص در این موضوع باشد و نیز باید از اندیشمندان و صاحب نظران داخلی و خارجی استفاده نموده تا همراه با فناوری و علوم جدید بتواند با پروژه ایران هراسی مقابله نماید.

### ۳-۲: ابتکاراتی برای موفقیت دیپلماسی فرهنگی ایران در مقابله با ایران هراسی

#### ۳-۲-۱: شورای عالی دیپلماسی عمومی و فرهنگی

از آنجا که دیپلماسی فرهنگی به معنای فن مدیریت تعامل با جهان خارج در عرصه فرهنگی، مبادله اندیشه‌ها، اطلاعات، ارزشها، نظامها، سنتها، اعتقادات و دیگر جنبش‌های فرهنگی با هدف تقویت درک متقابل و تفاهم میان ملت‌ها و کشورها و تاثیرگذاری بر برداشتها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزشها، ایستارها و باورهای سایر ملت‌ها از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن بومی و شناخت و درک واقعی فرهنگ‌های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی است و این دیپلماسی به عنوان ابزاری برای قدرت فرهنگی کشور قرار می‌گیرد و نظر به اینکه به دلیل تکثر کارگزاران دیپلماسی فرهنگی و تفکیک نشدن نقش‌ها، نوعی ناهماهنگی زیانبار در استفاده از قدرت نرم و اجرای دیپلماسی فرهنگی کشور وجود دارد لذا تشکیل «شورای عالی دیپلماسی عمومی و فرهنگی» جهت ایجاد سازوکارهای قانونی و تمرکز مدیریت دیپلماسی فرهنگی و عمومی کشور در دستگاه متولی دیپلماسی و مقابله با ایران هراسی ضروری است. هدف اصلی این نهاد مهم فرهنگی، سیاستگذاری کلان و هماهنگ سازی اقدامات و عملکردها از موثرترین کارها جهت حصول به نتیجه مطلوب در موضوع دیپلماسی فرهنگی و عمومی است.

از مهمترین سازوکارها و ابزار تأمین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران، تدوین، تنظیم و اعمال دیپلماسی فرهنگی کارآمد و روزآمد به عنوان نمونه بارز و اعلا‌ی قدرت نرم آن است. برای موفقیت دیپلماسی فرهنگی، باید با استفاده از ابزارهای فرهنگی، تصویری مثبت از واقعیت یک کشور برای مردم دیگر کشورها ترسیم شود. مضمون فراگیری که باید در فرایند دیپلماسی فرهنگی به ملت‌ها منتقل شود، «معرفی ایران فرهنگی» است.

### ۲-۲-۳: استفاده از بازیگران غیر دولتی

در دنیای کنونی که به جهان ارتباطات مشهور است، بازیگران غیردولتی بسیار تاثیرگذار شده‌اند و بخصوص در جوامع غربی و در صحنه بین‌الملل، این بازیگران برخی اوقات نقشی به مراتب موثرتر از رسانه‌های گروهی داشته‌اند. با گسترش شبکه‌ها و رسانه‌های جدید ارتباطی به عنوان مکان‌های عمومی جدید، بازیگران جدیدی پا به عرصه جامعه مدنی جهانی گذاشتند؛ سازمان‌های اجتماعی مستقل از دولت‌ها که هدف‌شان پیگیری اهداف و ارزش‌های مشترک در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است. این بازیگران با کمک روش‌های مختلف تلاش دارند تا نفوذ خود را بر فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری دولت‌ها افزایش دهند. دولت‌ها به لحاظ وظایف ساختاری خود به ویژه وظایف دیپلماتیک، نمی‌توانند نسبت به این سازمان‌ها بی‌تفاوت باشند.

سازمان‌های غیردولتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد در حال حاضر، ساختارهای توانمندی در روند تعاملی جامعه جهانی بوده و می‌توانند به عنوان پیک فرهنگی مناسبی در راستای حضور ملت‌ها در جهان کنونی و مشارکت در امور گوناگون چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی در نظر گرفته شوند. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) هستند. این بدین معناست که سازمان ملل متحد می‌تواند در تهیه گزارشات خود از این سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده نموده و برای رسیدن به اهداف خود از این بازوان اجتماعی و غیردولتی که در بسیاری از کشورها حضوری فعال دارند، بهره‌مند گردد.

نقش آفرینی تشکل‌های غیردولتی درحقیقت تبلور حضور رسمی و سازمان‌یافته مردم یک کشور در روابط خارجی و روند تعاملی جامعه جهانی تلقی می‌شوند؛ از این رو

این سازمانهای دو یا چند ملیتی همچون انجمن‌های دوستی از بازیگران مؤثر حوزه دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌روند. تحولات دهه‌های اخیر در عرصه بین‌الملل نشانگر این واقعیت است که نقش انجمن‌های دوستی و نهادهای مردمی و تشکلهای غیر رسمی در معادلات جهانی رو به گسترش و به موازات آن، نقش دولت‌ها در این ارتباط رو به کاستن است. از آنجائی که انجمن‌ها در دو عرصه کلیدی یعنی روابط میان ملت‌ها و محیط بین‌المللی ایفای نقش می‌نمایند حوزه فعالیت و کنشگری آنها بسیار گسترده و وسیع ارزیابی می‌شود. استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها باید در دستور کار متولیان دیپلماسی فرهنگی کشور قرار گیرد.

#### ۴- نتیجه‌گیری:

آنچه در این نوشتار بیان شد، اینکه کشورها از دیرباز از سیاست خارجی برای تحقق منافع ملی خود استفاده کرده و ابزار سیاست خارجی آنها در بیشتر موارد دیپلماسی بوده است و در نتیجه دیپلماسی تحول یافته و دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری مهم در تأمین منافع ملی و تحقق اهداف سیاست خارجی به کار گرفته شده است.

این تحقیق جهت بررسی ظرفیت‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای تقابل با ایران هراسی، سوال تحقیق را بدینگونه طرح نمود که: دیپلماسی فرهنگی ایران برای مقابله با سیاست ایران هراسی چگونه بوده است؟ این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تبیینی و منابع کتابخانه‌ای به نتایجی رسید که ابتدا بصورت فرضیه مطرح شد و آن اینکه با توجه به ظرفیت‌های مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران، استفاده از این ظرفیت‌ها بخاطر تعدد مراکز تصمیم‌گیری، منفعلانه بوده و نتوانسته به عنوان ابزاری در خدمت دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایران قرار گیرد تا با استفاده از ابزارهای مختلف، ایران هراسی را به چالش کشیده و با آن مقابله نماید.

در چارچوب نظری تحقیق که برای تبیین و فهم دیپلماسی فرهنگی مطرح شد، از نظریه سازه‌انگاری استفاده شد. زیرا این نظریه بر اهمیت عقاید، هنجارها و دانش در ایجاد یک جهان اجتماعی یا فرهنگی تأکید می‌نماید که به ترتیب هویت و منافع را شکل می‌دهد بنابراین تئوری سازه‌انگاری عوامل معنوی و غیرمادی را کلیدی برای فهم سیاست می‌داند و یکی از بهترین راههای فهم دیپلماسی فرهنگی است.

برای بررسی ایران هراسی نیز عنوان شد که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و با

توجه به ماهیت اسلامی و سیاسی آن، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا از همان ابتدا بصورت منسجم و تهاجمی، تبلیغات منفی را به منظور تحریک افکار عمومی جهان علیه جمهوری اسلامی ایران که به آن ایران هراسی نیز گفته شد، در دستور کار خود قرار داد. برای ایران هراسی چند دلیل ساختاری و غیر ساختاری ارائه شد. همچنین در ادامه بحث ایران هراسی بیان شد که برای اجرای این دیپلماسی، رسانه ها، سازمان های مردم نهاد، بنیادها، شبکه های ارتباط جمعی و اطلاع رسانی غربی همواره تلاش نموده اند از ایران یک چهره منفی و مخدوش بسازند. ایران را به عنوان حامی تروریسم، عامل بی ثباتی در منطقه و جهان، توسعه طلب و از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، توسعه نیافته و از لحاظ سیاسی ناقض حقوق بشر، مخالف آزادی بیان و حاکمیت قانون و نهایتاً غیردمکراتیک معرفی نمایند و بدینگونه یک تنفر و هراسی از ایران در افکار عمومی جهانیان بوجود آورند و در منطقه نیز ائتلافی علیه ایران تشکیل دهند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به تحول کارکردی قدرت، و با توجه به داشتن برخی مولفه های فرهنگی - مذهبی، سیاسی و تاریخی در عرصه نظام بین الملل، کشورهای منطقه و در محیط راهبردی خویش، نیازمند بازتولید، تقویت مولفه های فرهنگی و قدرت نرم خویش بود و یکی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در صحنه جهانی، جهان اسلام و کشورهای منطقه خاورمیانه، دیپلماسی فرهنگی بود تا با استفاده از این مولفه و بکارگیری ابزارهای متنوع فرهنگ و قدرت نرم بتواند با ایران هراسی آمریکا و غرب مقابله کرده و افکار عمومی جوامع و ملل جهان بخصوص کشورهای هدف را با واقعیات کشور آشنا نماید و بدین صورت با تبیین دیپلماسی فرهنگی کشور بر سیاست های مقابله جویانه آمریکا و ایران هراسی تاثیر گذار باشد.

در بررسی عملکرد دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم ایران نیز عنوان شد که به دلیل تکثر کارگزاران دیپلماسی فرهنگی و تفکیک نشدن نقش ها، نوعی ناهماهنگی زیانبار در استفاده از قدرت نرم و اجرای دیپلماسی فرهنگی کشور وجود دارد لذا دو راه حل ارائه گردید: تشکیل «شورای عالی دیپلماسی عمومی و فرهنگی» جهت ایجاد سازوکارهای قانونی و تمرکز مدیریت دیپلماسی فرهنگی و عمومی کشور در دستگاه متولی دیپلماسی و مقابله با ایران هراسی و دیگر استفاده بهینه از بازیگران غیردولتی همچون انجمن های دوستی و بنیادهای فرهنگی و اندیشکده های مطالعاتی.

## منابع

- ۱- بیگی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر دانشگاه امام صادق(ع).
- ۲- جمالزاده، ناصر(۱۳۹۱). «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریهٔ صدور فرهنگی انقلاب»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز، ص ۶۱ تا ۸۶
- ۳- جوادی ارجمند، محمد جعفر(۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی سال دوازدهم تابستان ۱۳۹۴ شماره ۴۱، ص ۹ تا ۲۸
- ۴- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، فصلنامه دانش سیاسی. شماره ۲، ص ۱۳۵ تا ۱۴۸
- ۵- خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تاثیر آن بر روند تحولات جهانی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۱، بهار، ۲۵ تا ۴۸
- ۶- درخشه، جلال، غفاری، مصطفی(۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصتها، اقدامات، اولویتها و دستاوردها»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. سال دوازدهم. شماره ۱، ص ۹ تا ۴۶
- ۷- دهشیری، محمدرضا(۱۳۹۷). نشست دیپلماسی عمومی و دیپلماسی مردم محور ایران، <http://www.ibna.ir/fa/doc/report/260749>، تاریخ بازدید: ۲۴ خرداد ۱۳۹۸
- ۸- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس، فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۴۰، شماره ۴، ۱۰۳-۱۲۲

- ۹- سیمبر، رضا (۱۳۹۶)، انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۴، پاییز، ۴۷-۶۸
- ۱۰- شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۹). ایران هراسی؛ دلایل و پیامدها، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم، ۱۹۱ تا ۲۰۸
- ۱۱- میرکوشش، امیر هوشنگ (۱۳۹۳). تبیین دیپلماسی عمومی و فرهنگی از منظر سازه‌انگاری جهان وطنی، قابل دسترس در: [www.iisajournals.ir/article\\_41967](http://www.iisajournals.ir/article_41967)، آخرین بازدید: ۹۸/۴/۱۱
- ۱۲- نرگسی علی پور، زهرا (۱۳۹۳). «اندیشه ایران هراسی و بازتولید آن در سیاست خارجی آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، مقدمه
- ۱۳- هرسیح حسین، تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹). تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۹، ۱۵۱ تا ۱۷۹
- ۱۴- همشهری آنلاین (۱۳۹۲). ایران از گردشگری ضعیف به رتبه برتر رقابت‌پذیری گردشگری جهان رسید، <http://hamshahronline.ir/details/207508> دسترسی در ۶ خرداد ۱۳۹۸.

1- Aguillar, M (1996). Cultural diplomacy and foreign Policy: German-American relations, 1955-1968. NY: Peter Lang Publication

2- Haass, R. N (2006). The New Middle East, At: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2006-11-01/new-middle-east>

3- Huxley J (1946). UNESCO its purpose and its philosophy, Retrieved from [www.unesco.org/images/0006/000681/068197eo.pdf](http://www.unesco.org/images/0006/000681/068197eo.pdf).

4- Little, R (2008). The Balance of Power in International Relations: Metaphors, Myths and Models, London: Cambridge University Press.

- 5- Mersheimer, J. J (2001). Anarchy and the struggle for power. In: The tragedy of great power politics. New York and London: W W Norton & Company. pp 29-54
- 6- Meridor, D (2008 ). Sixth Session - Iran, Regional Hegemony and Proliferation”, Retrieved 02 29, 2010, from IISS:  
<http://www.iiss.org.uk/conference>
- 7-Meshahi, M *Celebration of Nowruz*( 2001). Iran’s foreign policy toward Russia, central Asia and caucas, in, Iran at the crossroads, (ed) by John . L. Sposito and R.K. Ramzani, London Palgrave.
- 8- Ram, Haggi (2009). Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession, Stanford: Stanford University Press
- 9- UNESCO (2011). Retrieved 27 May, 2013, from  
[http://www.unesco.org/new/en/unesco/events/unesco-house/cultural-events/?cHash=8f18d4a0f7&tx\\_browser\\_pi1\[showUid\]=3328](http://www.unesco.org/new/en/unesco/events/unesco-house/cultural-events/?cHash=8f18d4a0f7&tx_browser_pi1[showUid]=3328)
- 10- Villanueva, c (2007).Representing cultural diplomacy: soft power, cosmopolitan constructivism and nation branding in Sweden and Mexico, Vaxjo University Press.
- 11-Walt, S.M (1990).Origins of Alliances”, New York, Cornell University Press
- 12-Wendt, A (1992). Anarchy is what states make of it: The social construction of power politics, International Organization, 46(2).